

به‌منظور طرح این موضوع (نقش درس ورزش در ارتقای سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان) و کسب و ارائه نظر علمی و کارشناسی متخصصان در این زمینه، میزگردی با حضور تعدادی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، متخصصان و کارشناسان علوم تربیتی و تربیت‌بدنی برگزار کرده است که گزارش آن را در ادامه تقدیم مخاطبان ارزشمند و گران‌قدر مجله می‌کنیم.

* اسامی متخصصان و کارشناسان حاضر در میزگرد

- دکتر محسن ایمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت‌مدرس در رشته مشاوره و علوم تربیتی
- دکتر سیداحمد زرهانی، معاون پرورشی اسبق وزارت آموزش و پرورش و قائم‌مقام دانشگاه مذاهب اسلامی
- رضا عموزاده خلیلی، مدیرکل اسبق تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش

«آموزش مهارت‌های زندگی» و ارتقای سطح آن در زندگی دانش‌آموزان، یکی از اهداف مهم سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی است که مورد توجه جدی برنامه‌ریزان و مدیران عالی و ارشد آموزش و پرورش کشور قرار دارد. اما مهارت‌های زندگی چیست و چگونه می‌توان آن را به دانش‌آموزان یاد داد و در زندگی آن‌ها ارتقا داد؟

به گفته برخی از متخصصان، درس ورزش و تربیت‌بدنی به‌صورت ذاتی و فی‌نفسه می‌تواند عامل ارتقای سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان باشد؛ اما عده دیگری از متخصصان، در کنار درس ورزش، وجود مربیان و معلمان متخصص و متعهد، فضای مناسب و امکانات لازم را برای ارتقای سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان ضروری می‌دانند.

فصل‌نامه رشد آموزش تربیت‌بدنی

درس ورزش، بستر مناسبی برای آموزش مهارت‌های زندگی است

متخصصان و کارشناسان در میزگرد مجله رشد آموزش تربیت‌بدنی تأکید کردند

نصرالله دادار



- فتح الله مسیعی، فوق لیسانس تربیت بدنی و مدیر آموزش المپیک

- دکتر سیدامیر حسینی، دبیر کل فدراسیون بین المللی ورزش های زورخانه ای

- دکتر عباسعلی گائینی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و سردبیر فصل نامه رشد آموزش تربیت بدنی

■ نقش درس تربیت بدنی در ارتقای سطح مهارت های زندگی دانش آموزان چیست؟

دکتر سیدامیر حسینی در آغاز این میزگرد ضمن تشریح اهداف برگزاری این نشست گفت: در این میزگرد ما می خواهیم به این موضوع بپردازیم که مهارت های زندگی چیست و آیا درس ورزش یا تربیت بدنی می تواند در آموزش و ارتقای سطح مهارت های زندگی دانش آموزان مؤثر واقع شود؟ چگونه و چگونه؟ بنابراین از اساتید محترم می خواهیم که دیدگاه ها و نظرات خود را حول این بحث ارائه بفرمایند.

■ مهارت های اجتماعی زیرمجموعه مهارت های زندگی است

دکتر محسن ایمانی دیدگاه های خود را پیرامون این موضوع این گونه بیان کرد و گفت:

ذیل بحث مهارت های زندگی، مهارت های اجتماعی نیز مطرح می شود. باید افراد برخی مهارت ها را بیاموزند که در زندگی خود بتوانند از کارآمدی خاصی بهره مند شوند. ورزش می تواند به این کارآمدی کمک کند و توان فرد را در مهارت های فردی و اجتماعی افزایش دهد. یک بعد ورزش ارتباط است که در کلاس های ورزشی توسط معلم شکل می گیرد. در ورزش های اجتماعی افراد مجبورند با هم تعامل داشته باشند که در فوتبال یا والیبال این تعامل را می توان دید. اگر این تعامل و همکاری نباشد، یک تیم نمی تواند به موفقیت برسد. این همکاری در یک فضای ورزشی به روشنی دیده می شود. در فوتبال فرد برنده نمی شود، یک تیم برنده می شود. این همکاری عامل موفقیت افراد است که ورزش آن ها را به سمت همکاری بیشتر سوق داده است. جایی که همکاری نیست شکست تیم اتفاق می افتد.

■ ورزش عامل رشد سازگاری بچه هاست

دکتر ایمانی در ادامه صحبت های خود افزود: سازگاری یکی از مهارت های مهم زندگی است. اگر بخواهیم در یک فعالیت ورزشی اجتماعی به موفقیت برسیم، باید بین افراد مجموعه سازگاری ایجاد شود. سازگاری وقتی ایجاد می شود که روابط دو فرد یا دو گروه به گونه ای شکل بگیرد که رضایت طرفین را فراهم کند. افراد سازگار با هم در یک تیم می توانند

به هم افزایی برسند. ولی اگر تصادم و اصطکاک و درگیری وجود داشته باشد، تیم نمی تواند خوب هدایت شود. اصولاً افراد ناسازگار نمی توانند خیلی به موفقیت های اجتماعی دست پیدا کنند. این یک واقعیت مهم اجتماعی است که در ورزش جمعی باید به افراد بیاموزیم. این ها نکات و تجربیاتی است که خارج از محیط های ورزشی هم به کار می آیند. در مدرسه، جامعه و اداره، ما نیازمند سازگاری با محیط و همکاری با گروه هستیم. آنجا که فرد بخواهد سازگار عمل کند لازمه اش تبعیت از قوانین اجتماعی است. افراد غیراجتماعی که نمی توانند از قوانین تبعیت کنند در جامعه ورزشی هم مشکلاتی را به وجود خواهند آورد. افرادی با بهداشت روانی خوب می توانند این قوانین و سازگاری را خوب بیاموزند که ثمره آن موفقیت در اجتماع و محیط های ورزشی است. باید در مسیر ورزش متعادل رفتار کرد. با فعالیت های ورزشی دانش آموزی می توان تا حدود زیادی به مهارت هایی که برای موفقیت در زمینه فردی و اجتماعی لازم است، دسترسی پیدا کرد.

■ ورزش عامل رشد اعتماد به نفس و خودباوری

رضا عموزاده خلیلی یکی دیگر از کارشناسان این نشست بود که با بیان این نکته که ورزش می تواند به تقویت و توسعه مهارت های زندگی دانش آموزان کمک کند، گفت: در ورزش های گروهی و ورزش های انفرادی، تقویت قوای جسمانی و مهارت های ورزشی اهمیت خاص خود را دارد اما با وجود این، در ورزش انفرادی اعتماد به نفس و خودباوری از مواردی است که باید در هر فردی بارور شود، تا برای ورود به عرصه اجتماع، او را به فردی توانمند و متعادل تر تبدیل کند. در ورزش های اجتماعی یک رشته خصوصیات و خصلت هایی در افراد ایجاد می شود که بسیار برای ورود او به اجتماع و کسب تجربه اجتماعی مهم است. در فوتبال، به عنوان یک ورزش گسترش یافته با هواداران و طرفداران بسیار که بیشترین بازیکن را در خود دارد، شرایط سخت تری حاکم است و نیازمند روحیه همکاری بیشتری است. برای گنجاندن بازی فوتبال و فوتسال در ورزش های دانش آموزی، بحث های کارشناسی زیادی شده است. در تماشای بازی بچه ها، من «اجتماع واقعی» را در زمین فوتبال می بینم. یک جامعه کوچکی که افراد در آن با هم فعالیت، همکاری و ارتباط برقرار می کنند. در فوتبال، دانش آموز روحیه تعاون، همبستگی، یاری کردن و در نظر گرفتن حقوق دیگران را یاد می گیرد. در این بازی، با نمادی از یک اجتماع بزرگ، شما می توانید آزادی هایی را در زمین بازی داشته باشید. تا جایی آزادی دارید که به هم بازی و حریف خود آسیبی نزنید. به عبارتی اجرای قوانین به طور ملموس در فوتبال اجرا می شود. چگونه حرکت کردن، همکاری با دیگران، به دست آوردن موفقیت

بهتر، پاس کاری به دور و نزدیک، راهکارهای رسیدن سریع تر به هدف و ... چیزهایی است که در فوتبال تمرین می شود. این چیزهایی است که در جامعه با آن ها درگیر هستیم. بنابراین بازی فوتبال می تواند به عنوان یک ورزش برای ارتقای سطح مهارت های زندگی دانش آموزان مفید باشد. در بازی فوتبال بچه ها به خوبی به نقش سرمربی، مربی و کاپیتان در یک اجتماع مانند فوتبال واقف می شوند. یک جامعه هم مسئولان مختلفی دارد که باید در چارچوب وظایف خویش رفتار کنند. حرف شنوی، دوستی و احترام را در بازی فوتبال می توان به بچه ها آموخت. با ایجاد خطر توبیخ می شوی و زیان های آن مانند گل خوردن یا پناستی را می پردازی. در مقررات اجتماعی هم انسان تجربه شکست و پیروزی را به دست می آورد. بی ضررترین پیروزی ها و شکست ها را در ورزش می توان تجربه کرد. از زاویه های دیگر، ورزش ارزان ترین و دستیاب ترین امکانی است که می توان از طریق آن مهارت های زندگی را در همه رده های سنی و شرایط جسمی آموزش داد.

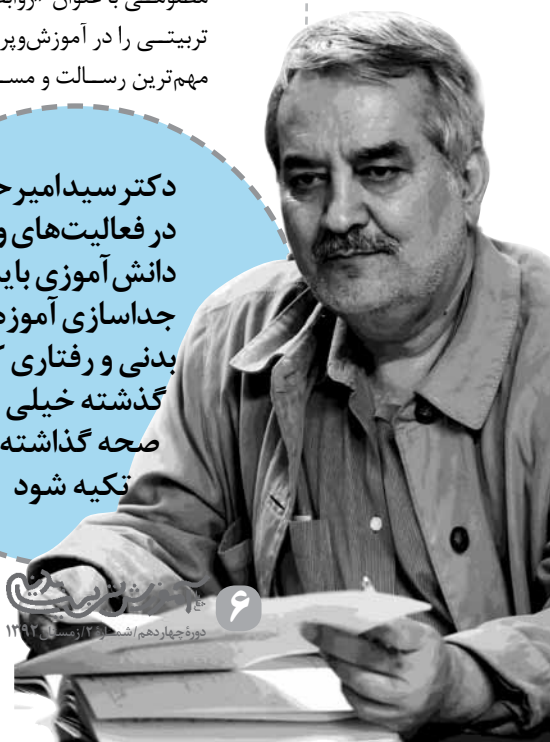
■ ورزش بالقوه می تواند به اکتساب مهارت های زندگی کمک کند

فتح الله مسیبی دیدگاه خود را پیرامون نقش درس ورزش در ارتقای مهارت های زندگی این گونه بیان کرد: «کلمه تربیت بدنی حاوی دو واژه تربیت و بدنی است. بعضی ها فکر می کنند تربیت بدنی به معنی تربیت بدن است. اما واقعیت این است که فیزیولوژی تربیت بدنی، به معنای تربیت از طریق بدن است. بنابراین ورزش برای تربیت همه جانبه افراد، بالقوه ابزار بسیار خوبی است. بالقوه است زیرا می تواند مضر هم باشد. تربیت بدنی برحسب چگونه عرضه شدن، فضا، مربی و سطح دانش مربی می تواند به اکتساب مهارت های زندگی کمک کند. نکته اول؛ نحوه عرضه درس تربیت بدنی در مدارس است. تحقیقات نشان می دهد که ورزش به تهایی سبب رشد اخلاقی نمی شود. این سخن منسوب به فردوسی که «ز نیرو بود مرد را راستی» همیشه درست نیست. اینکه آن نیرو را چگونه و در چه فضایی به دست بیاورید مهم است. نیرو همیشه راستی نمی آورد، می تواند کژی بیاورد. در یک تحقیق، دو دسته آدم در شرایط مساوی از لحاظ بدنی (که به یک دسته قبل و بعد از ورزش آموزه های اخلاقی می دادند و دسته دیگر صرفاً ورزش می کردند) با هم مقایسه شدند. معلوم شد که تمایل به تبهکاری در افرادی که آموزه های اخلاقی می گرفتند، کمتر و در گروهی که صرفاً به ورزش می پرداختند، بیشتر بوده است. در ورزش های شرقی آموزه های اخلاقی وجود دارد. ورزش باستانی ما هم آمیخته با آموزه های اخلاقی و مذهبی است، اگر این آموزه ها را از آن بگیریم ورزش باستانی هم می تواند به ورزشی تبدیل شود که از آن افراد مختلفی بیرون بیاید. من به عنوان اولین بحث پایه تأکید می کنم که در تربیت از راه

■ ورزش یک ابزار تربیتی مؤثر است

دکتر سیدامیر حسینی با بیان این مطلب که ورزش یک ابزار تربیتی مؤثر است، گفت: در منشور المپیک ورزش به عنوان یک ابزار تربیتی برای ارتقا و توسعه فضیلت های اخلاقی در بین جوانان مطرح است. در المپیک ارزش هایی چون احترام گذاشتن به دیگران، دوستی و تعالی و لذت بردن از تلاش و کوشش از ارزش های جذاب و ضروری است. امام خمینی (ره) اوایل انقلاب در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله زن روز درباره ورزش گفتند: «من ورزش را برای مرد و زن واجب می دانم. لازم است تمام ابعاد وجودی تان را تحت تربیت ورزشی قرار دهید.» اصطلاح «تربیت ورزشی» یکی از تعاریف و مفاهیمی بود که اول انقلاب امام (ره) مطرح کردند. مرحوم رجبعلی مظلومی با عنوان «روابط شایسته در ورزش»، نقش ورزش تربیتی را در آموزش و پرورش تبیین کرد. بحث او این بود که مهم ترین رسالت و مسئولیت معلمان ورزش، ترویج ورزش تربیتی است. ورزش تربیتی چگونه می تواند به توسعه مهارت های زندگی کمک کند؟ تعریف مهارت زندگی چیست؟ مهارت زندگی توانایی یک فرد برای رویارویی با مشکلات

دکتر سیدامیر حسینی:
در فعالیت های ورزشی دانش آموزی باید بر جداسازی آموزه های بدنی و رفتاری که در گذشته خیلی به آن ها صحنه گذاشته می شد تکیه شود



بدن، فضا، فرد تربیت‌کننده (مربی) و نوع آموزش، محصولات متفاوت خواهد بود.

■ افراد ترسو و ضعیف خطرپذیر ترند

دکتر سید امیر حسینی در ادامه صحبت‌های آقای مسیبی گفت: «ز نیرو بود مرد را راستی» من اعتقاد دارم که افراد ترسو و ضعیف خطرپذیری بیشتری دارند. ما در فرهنگ‌مان وقتی بحث نیرومندی را می‌کنیم، می‌گوییم این نیرومندی توأم با خردورزی است: به نام خداوند جان و خرد/ کزین برتر اندیشه برنگذرد. هر جا که فردوسی بحث نیروورزی را می‌کند در کنارش بحث خردمندی را هم دارد.

■ خودکنترلی بزرگ‌ترین پیام تربیت بدنی

دکتر عباسعلی گائینی در این میزگرد با طرح این سؤال که چگونه می‌توانیم از طریق فعالیت‌های ورزشی در مدارس، کودکان را برای زندگی بهتر و آینده مهیا کنیم و چگونه می‌توانیم دانش‌آموزان را با مهارت‌های زندگی به گونه‌ای آشنا کنیم که تهدیدهای اجتماعی پیرامونشان را به خوبی تشخیص بدهند و با آن‌ها مقابله کنند، گفت: هدف فعالیت‌های بدنی و ورزشی، کنترل رفتارهای ناهنجار نیست. هر جا خواسته شده که این فعالیت‌ها و رفتارهای ناهنجار کنترل شود، مقاومت وجود داشته است. آقای عموزاده اعتقاد داشتند که برنامه‌های ورزشی در زندگی فردی و اجتماعی بسیار مؤثر است و باید آن‌ها را تقویت کرد. از طرفی به‌رغم تلاش‌هایی که در سطح مدارس می‌شود باز ما شاهد رفتارهایی در جامعه از افراد بزرگ‌سال هستیم که نشان می‌دهد نظام تعلیم و تربیت ما هنوز نتوانسته است به اندازه کافی این افراد را تربیت کند که وقتی وارد جامعه می‌شوند به‌نوعی یک خودکنترلی داشته باشند. بزرگ‌ترین پیام تربیت بدنی به بچه‌ها «خودکنترلی» است تا آن‌ها بیاموزند که بدون نظارت از سوی خانواده، جامعه، مراکز قانون‌گذار و کنترل‌کننده مقررات و آیین‌نامه‌ها، خودشان دست به اقدامی نزنند که با هنجارهای اجتماعی هماهنگی نداشته باشد. بهترین ابزار برای کمک به کودکان برای تسلط بر رفتارشان در خانواده، مدرسه، احترام به مقررات مدرسه و ورود به جامعه، این است که با مردم تعامل اجتماعی خوبی داشته باشند و در این صورت است که پاسخ مثبتی خواهند گرفت.

■ تعلیم و تربیت باید همه ابعاد وجودی انسان را دربرگیرد

دکتر سیداحمد زرهانی یکی دیگر از کارشناسان این میزگرد گفت: وقتی می‌گوییم تربیت بدنی، باید ببینیم بدن را شامل چه چیز و در جهت چه اهدافی می‌بینیم. گاهی

هدف پرورش یک عضله است. اما یک وقت ما از ورزش می‌خواهیم به عنوان مکتب زندگی استفاده بکنیم و بگوییم این تن دربردارنده جان است. نه «جان» بی تن محلی از اعراب دارد، نه این «تن» بی جان. این دو لازم و ملزوم هم هستند. تعلیم و تربیت به معنی شناخت استعدادها و تسهیل مراحل رشد سیاسی، دینی، علمی، بدنی و عاطفی، شامل همه ابعاد وجودی انسان است. تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای باشد که انسان را به عنوان یک کل و با ساحت‌های مختلف رشدپذیر در نظر بگیرد. پس این به هدف‌گذاری ما برمی‌گردد. اگر تن را شامل روح و بدن بدانیم، اهداف و برنامه و سازوکار ما متحول می‌شود. من فکر می‌کنم انسان باید هم تن رشید و سالم و هم خرد و تفکر درست داشته باشد. با این نگاه باید همه عناصری را که در تربیت بدنی به معنای وسیع کلمه نقش دارد با هم نگاه کرد، ولی اول از همه نیروی انسانی یا معلم ورزش است.

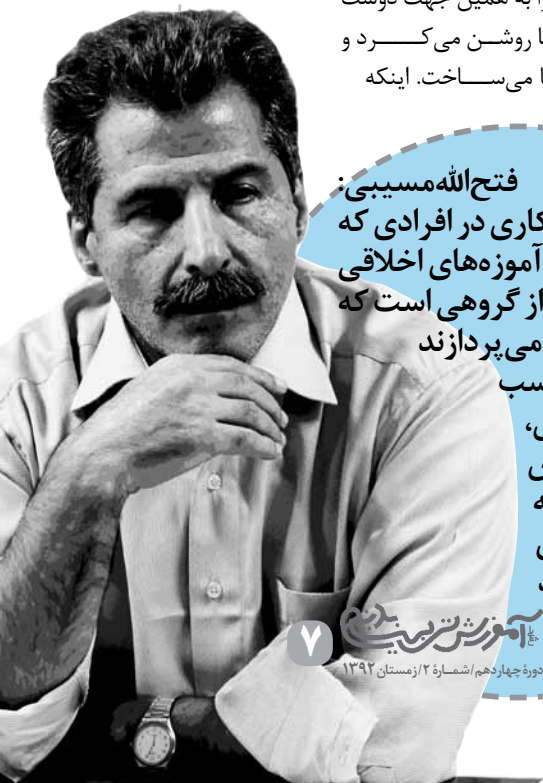
■ در تربیت بدنی همه چیز از معلم آغاز می‌شود

دکتر زرهانی در ادامه افزود: همه چیز از معلم آغاز می‌شود. مربی ورزش در کنار دانش، تخصص و مهارتی که دارد، باید جهت‌گیری درست فکری هم داشته باشد، مهارت‌های زندگی را بشناسد و بداند انسانی که امروز تربیت کرده، فردا وارد چه میدانی خواهد شد و باید از پس چه کارهایی برآید و این بینش را در همه عرصه‌ها به او منتقل کند. دانش‌آموزی که در معیت اوست انواع ورزش‌ها را یاد می‌گیرد، اما این یادگیری‌ها با آداب، ارزش‌ها و توانمندی‌هایی که این فرد منتقل کرده است، آمیخته است. در دیداری با آیت‌الله مکارم شیرازی ایشان گفتند: می‌دانید من را چه کسی مکارم شیرازی کرد؟ در خانواده ما کسی اهل علم نبود. من در دبیرستان، دبیر فیزیکی داشتم که وقتی درس می‌داد به مسائل متافیزیک هم اشاره می‌کرد. ما درس فیزیک را به همین جهت دوست داشتیم، چون برخی رازها را برای ما روشن می‌کرد و با خلقت و جهان هستی آشنا می‌ساخت. اینکه

فتح‌الله مسیبی:

تمایل به تبهکاری در افرادی که در کنار ورزش آموزه‌های اخلاقی می‌گیرند، کمتر از گروهی است که صرفاً به ورزش می‌پردازند

تربیت بدنی بر حسب چگونه عرضه شدنش، فضا و سطح دانش مربی می‌تواند به اکتساب مهارت‌های زندگی کمک کند



کنند تا آن‌ها را با تجارب ملی و جهانی در برنامه آموزشی قرار دهیم.

زرهانی در ادامه گفت: در کشورهای شرقی ورزش‌ها آمیخته با مضامین اخلاقی هستند. مثل ورزش یوگا که بار اخلاقی دارد. در سریال‌ها می‌بینیم که ورزشکاران در جایی موظف به ایستادن و عمل نکردن هستند و در جایی با وجود خطرهایی که وجود دارد وارد عرصه می‌شوند و از خطر استقبال می‌کنند. به حکم اخلاق مانع از مزاحمت‌های خیابانی برای دخترانی می‌شوند که حتی آن‌ها را نمی‌شناسند، و از آن‌ها دفاع می‌کنند. مضامین اخلاقی در چین، کره و ژاپن با ورزش‌های رزمی آمیختگی دارد. علاوه بر این کارهای بین‌المللی و داخلی، کارهای پژوهشی و آکادمیک هم مهم‌اند. ما باید تیمی متشکل از جامعه‌شناسان، متخصصان علوم رفتار، روان‌شناسان اجتماعی، متخصصان تربیت‌بدنی و متخصصان تعلیم و تربیت داشته باشیم تا بتوانند این نسبت‌ها را در این منظومه مشخص کنند. اگر آن منظومه اعم از محیط، نیروی انسانی، برنامه و آموزش و آموزش نیروی انسانی ساماندهی شود و از تجارب ملی و بین‌المللی هم در کنارش استفاده شود و سازمان تربیت‌بدنی و آموزش و پرورش هم به اهمیت چنین مدلی پی ببرند و هزینه‌های آن را هم پرداخت کنند، ما می‌توانیم ان‌شاءالله در آینده، هم ورزش قهرمانی و حرفه‌ای‌مان را و هم ورزش همگانی و پایه‌مان را مزین به اخلاق کنیم و آنچه را مدنظرمان است نشان بدهیم. یکی از خطاها این است که برای توسعه اخلاق می‌خواهیم از سهم ورزش کم کنیم. برعکس ما باید حق ورزش را در حد استاندارد و کامل آن ادا کنیم و در کنار آن وارد عرصه اخلاق شویم. در واقع ما نصف ورزش، نصف اخلاق نمی‌خواهیم. ما یک ورزش کامل و صد در صد می‌خواهیم. کریستین رونالدو مسلمان نیست اما می‌گوید من هر وقت صوت قرآن را می‌شنوم، با اینکه کلمات را نمی‌فهمم، به آهنگ زیبای آن به‌دقت گوش می‌دهم و از زیبایی‌های قرآن به‌وجود می‌آیم. یکی از آفات کار ما این است که در این مسائل مباحثی را مطرح می‌کنیم که احساس می‌شود یکی خرج دیگری شده است. اگر نتوانسته‌ایم اخلاق، فرهنگ و کارآفرینی و... را با ورزش تلفیق کنیم، نباید ورزش را ذبح کنیم که بچه‌ها موضع بگیرند و چیزی را که می‌گوییم نپذیرند. بچه‌ها از کسانی درس می‌گیرند که مجتهد این ورزش‌اند.

■ معلمان ورزش در ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

دکتر سید امیر حسینی در ادامه این میزگرد سؤال دیگری مطرح کرد و گفت: ما شخصیت‌هایی در ورزش بین‌المللی داریم که به زینت‌های خوبی که حتی مورد توجه دین ما هم هست مزین‌اند؛ با وجود اینکه خیلی از آن‌ها مسلمان نیستند. این نشان می‌دهد ورزش در ذات خود انسان‌ها را

ما بتوانیم با تخصص‌مان بچه‌ها را از راه فیزیک به متافیزیک، یا از راه تربیت‌بدنی با مهارت‌های زندگی آشنا کنیم، یک هنر است. «ز نیرو بود مرد را راستی» در معنای اول می‌گوید انسان نیرومند رشید و راست‌قامت است. معنای دیگر راست‌قامت به معنای انسان راست‌کردار است. اگر آن نیرو فقط هدف‌گذاری‌اش این باشد که ما عضله‌ها را قوی کنیم، به این سخن از تباطلی ندارد، اما اگر عناصری چون مربی و جایگاه و محیط آرایش و پردازش مناسب باشد، مهارت را رشد داده‌ایم. قبل از انقلاب در باشگاه تاج دزفول کسی بود که به ما مجله «مکتب اسلام» می‌داد. اگر نماز نخوانده بودیم وضو می‌گرفتیم و نماز می‌خواندیم. محیط برای آموزش آماده بود. فضا به گونه‌ای نبود که کسی ما را مسخره کند. ما در کنار رود دز شنا می‌کردیم و با همان لباس کنار رودخانه نماز می‌خواندیم. محیط مهیای این کار بود. ما اگر بخواهیم از طریق ورزش، نسل‌های نوجوان و جوان کشور را با مهارت‌های زندگی آشنا کنیم، باید «اندیشه منظومه‌ای» داشته باشیم که همه عناصر آن معنادار باشند. نگاه ما باید راهبردی باشد. باید بتوانیم بیست سال آینده ایران را ببینیم. جوانان را ببینیم و انگیزه و علاقه زیادی را هم که به ورزش در جامعه وجود دارد، ببینیم. ورزش باستانی ما ریشه در دوره‌های اسطوره‌ای تاریخ ما دارد و در ورود به دوره اسلامی نه تنها طرد نشد بلکه به‌عنوان یک ورزش اصیل ایرانی با مفاهیم اسلامی و بعداً با مکتب اهل بیت نیز تلفیق شد و به یک جریان اجتماعی تبدیل شد. زور در ورزش زورخانه‌ای ترجمه نیرو است، نه به معنای قدرت سرکش. نیرویی که انسان برای زندگی کردن به آن نیاز دارد و به‌رغم این اسم، برای هر کسی وجاهت دارد و با چشم احترام به آن نگریسته می‌شود. اخلاق و جوانمردی از آن منعکس می‌شود. اگر ما دنبال رابطه ورزش و مهارت‌های زندگی هستیم، یک راه دارد. اما اگر دنبال این هستیم که از طریق ورزش ظرفیتی به‌وجود بیاوریم که مهارت‌های زندگی را تعلیم دهیم و پیوندی بین ورزش، تربیت‌بدنی و مهارت‌های زندگی ایجاد کنیم باید به دنبال مهندسی آن منظومه باشیم. اول مهارت‌های زندگی را نگاه کنیم و بعد ببینیم

به چه تعداد از این مهارت‌ها

نیاز داریم که از کانال

ورزش، رسیدن به

آن‌ها میسر است.

سپس ببینیم

کدام ورزش‌ها

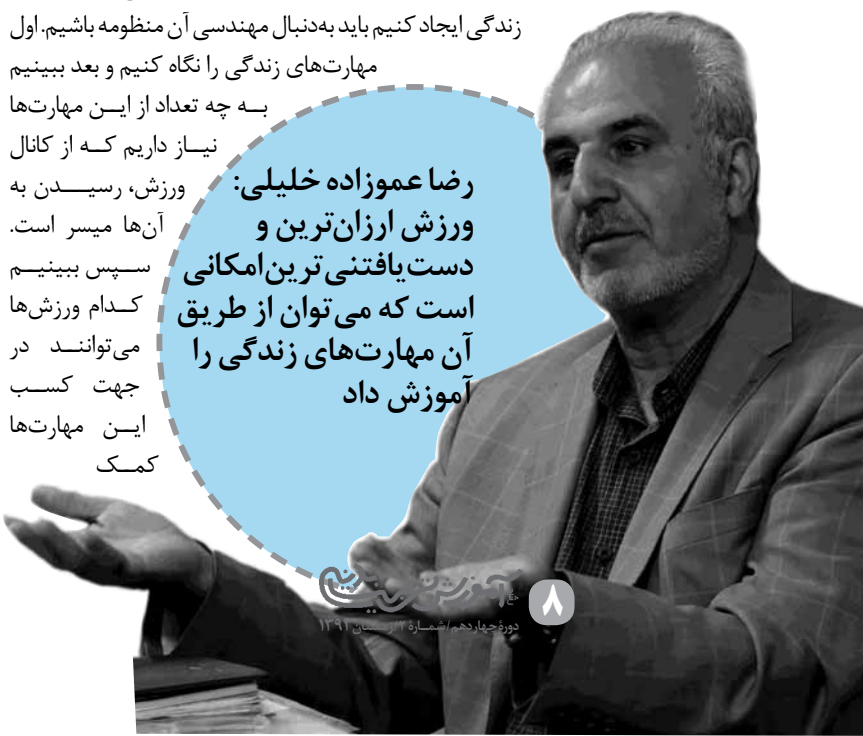
می‌توانند در

جهت کسب

این مهارت‌ها

کمک

رضا عموزاده خلیلی:
ورزش ارزان‌ترین و
دست‌یافتنی‌ترین امکانی
است که می‌توان از طریق
آن مهارت‌های زندگی را
آموزش داد



به سمت نیکی ترغیب می‌کند. گاهی اوقات می‌بینیم بسیاری از افرادی که در ورزش دانش‌آموزی فعالیت دارند، نیروهای خوبی تربیت می‌کنند اما در راهیابی آن‌ها به صحنه‌های بالاتر با یک رشته کمبودها و رفتارهایی مواجه می‌شوند که مورد تأیید نیست و جامعه آن‌ها را نمی‌پسندد. این نشان می‌دهد که هنوز در ورزش دانش‌آموزی باید بر جداسازی آموزه‌های بدنی و رفتاری که در گذشته خیلی بر آن‌ها صحنه گذاشته می‌شد، تکیه کرد.

سؤال این بود که آیا ورزش می‌تواند به توسعه مهارت‌های زندگی بینجامد؟ نقش معلمان ورزش در توسعه مهارت‌های زندگی چیست؟ آقای مسیبی اشاره کردند که ورزش به تنهایی نمی‌تواند مهارت‌ها را توسعه دهد و نقش مربی و فضای ورزشی و شرایط زمانی در کنار ورزش مؤثر است. آقای دکتر ایمانی بحث سازگاری و ناسازگاری را عنوان کردند و گفتند بحث این است که ذات ورزش و تربیت بدنی می‌تواند مهارت‌های ده‌گانه مثل تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، توانایی برخورد با مشکلات مختلف، ارتباطات مؤثر، سازگاری و ناسازگاری و... را در خود داشته باشد.

معلم ورزش چگونه می‌تواند این‌ها را از طریق ورزش آموزش دهد؟ آیا ورزش به تنهایی این توانایی را به‌وجود می‌آورد که دانش‌آموز تصمیم‌گیری کند، کنترل خشم داشته باشد، احترام به قوانین بگذارد؟ آیا معلم ورزش به چنین نقشی واقف است که ورزش می‌تواند در توسعه و ارتقای اجتماع کمک کند و در چه شرایطی می‌توان از طریق ورزش به این نتایج رسید؟ چگونه می‌شود معلم ورزش، فرصت‌های جذابی را به‌وجود بیاورد که همه اهداف گفته شده، در آن اجرایی شود؟

■ ورزش فعلی مدارس فقط نمایی از ورزش است

رضا آموزاده خلیلی در پاسخ به سؤال بالا گفت: اگر ورزش می‌تواند ما را به توسعه مهارت‌های زندگی برساند پس چرا همیشه این راه جواب نمی‌دهد؟ مهارت زندگی از دو بخش تشکیل شده: «مهارت» و «زندگی». مهارت فعالیت‌هایی است که ما در اثر تمرین زیاد به آن می‌رسیم. آیا ما برای رسیدن به مهارت مورد نظر تمرینات کافی در میادین مختلف داشته‌ایم؟ من فکر می‌کنم فقط با تمرین زیاد می‌توان به هدف موردنظر رسید. آنچه که ما به‌عنوان ورزش مدارس قرار داده‌ایم، تمرین نیست، فقط نمایی از ورزش است. آیا ما این تمرینات را در ورزشکاران خودمان داشته‌ایم؟ کدام دستگاه مسئول شده است که این فعالیت‌ها در بین ورزشکاران ما کار شود؟ آیا در ورزش تربیتی در آموزش و پرورش که به آن اعتقاد داریم روی معلمان ورزش هم کار کرده‌ایم؟ رونالدو ورزشکار سیاسی نیست اما برای مسابقات در سرزمین اشغالی در موضع انسانی و دفاع از حقوق فلسطینی‌ها در انتهای بازی برای اینکه پیراهنش را با پیراهن یک اسرائیلی تعویض نکند، به سرعت از زمین

خارج شد. این‌ها چیزهایی است که برای آن تمرین شده و یک تصمیم آنی نیست. ما برای توسعه مهارت‌ها، در ساعات کار تربیت بدنی و پرورش معلم تربیت بدنی و... به اندازه کافی تمرین نداشته‌ایم. از طرفی اگر کسی دنبال ورزش درست باشد و به‌درستی آن را دنبال کند، با همه عوامل ضروری مثل تربیت مربی و شرایط مکانی و... به‌خودی‌خود با تمرینات درست و در مسیر درست می‌افتد. بعید است که کسی به رونالدو بیاموزد که برای دفاع از کودکان و ارزش‌های انسانی این کار را بکند، او در طول مسیر آموزش‌های ورزشی‌اش این مسائل را یاد گرفته است. در یک باغ صدها درخت سیب هست. ثمره درخت سیب به خودی خود سیب است، اما پیش می‌آید که یک سال درختی ثمر نداشته باشد و باقی درختان پربار باشند. چرا با وجود شرایط یکسان این اتفاق می‌افتد؟ باید آفت‌هایی را که موجب این اتفاق شده‌اند، پیدا کرد. در ورزش ما آفت‌هایی که اخلاق را هدف گرفته‌اند، شناسایی و ریشه‌یابی و درمان نشده‌اند. چرا بعضی مواقع در ورزش ما جریانی درست عکس جریان اعتقادی و فرهنگی جامعه پیش می‌آید؟ باید این عوامل و آفت‌ها شناسایی و کارشناسی شوند و پادزهر آن را پیدا کرد. باید در ورزش آفت‌ها و موانعی را که موجب جلوگیری رشد ذات ورزش شده است بررسی، شناسایی و درمان کرد.»

■ ورزش به بچه‌ها قدرت «نه گفتن» می‌آموزد

دکتر محسن ایمانی نیز در پاسخ به این سؤال که نقش معلمان ورزش در ارتقای مهارت‌های زندگی چیست، گفت: «یکی از نکاتی که در بحث اجتماع مطرح می‌شود بحث مخالفت کردن است. مثل قدرت «نه گفتن» و «نه شنیدن». ۵۸ درصد افرادی که معتاد شده‌اند، فقط «نه» را نگفته‌اند و در دام اعتیاد افتاده‌اند. ورزش واقعاً می‌تواند مخالفت را به فرد یاد دهد. در یک تیم ورزشی ممکن است زوایایی از دید داور پنهان بماند و دانش‌آموزی بخواهد داور را گول بزند و دانش‌آموزی که

دکتر عباس علی گائینی:
رفتارهای جامعه نشان
می‌دهد تعلیم و تربیت هنوز
نتوانسته به‌گونه‌ای افراد
را مجهز کند که
در ورود به جامعه
خودکنترلی
داشته باشند



می‌زند، همه او را حقیر و ضعیف خواهند دانست، اما اگر روی تشک کشتی بر حریف غلبه کند دستش را به‌عنوان برنده بالا هم می‌برند. پس آموزش می‌دهیم که اگر زورمندی، زورت را باید کجا به کار بگیری تا بتوانی برنده باشی. در کنار آموختن مهارت‌های اجتماعی نکات ادبی هم مطرح است؛ «مزن بر سر ناتوان دست زور، که روزی درافتی به پایش چو مور». اگر می‌خواهیم به فرد بازوی توانا بدهیم شکرانه آن را هم باید به او یاد بدهیم: شکرانه بازوی توانا، بگرفتن دست ناتوان است. فرد باید یاد بگیرد اگر بدن قوی دارد کجا از آن استفاده کند. وقتی فرد قوت تن و قوت مالی پیدا می‌کند باید به این برسد که دست ضعیفان را بگیرد. «توانا بود هر که دانا بود»، گاهی این توانایی از ورزش حاصل نمی‌شود، در کنارش دانایی هم هست.

■ معلم باید دانش آموز را به سمت معرفت پیش ببرد

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در ادامه گفت: «خودآگاهی» به‌عنوان یک مهارت زندگی و مهارت فردی ضرورتی است برای ما تا نسبت به خودمان آگاه باشیم. باید معلم دانش آموز را به سمت معرفت ببرد تا بداند از کجا زورمند شده است و این زور را در چه راهی باید به کار بگیرد. فعالیت‌هایی که در اسلام مطرح شده شش، اسب‌سواری و تیراندازی است. آموختن و دانستن این مهارت‌ها در شرایط زمانی آن دوره بسیار اهمیت داشته است. به‌عنوان مثال اسب‌سواری برای رساندن پیک از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و شنا کردن در سفرهای دریایی و دوراندیشی پیامدها برای مقابله با آن‌ها دلیل تأکید بر کسب چنین مهارت‌هایی بوده است. در ورزش چوگان هم استفاده از اسب و گوی و فعالیت جسمانی می‌تواند پیامدش نشاط باشد. ما زمانی می‌توانیم انسان‌های سرزنده‌ای داشته باشیم که جامعه اهل ورزش باشد. وقتی ورزش می‌کنی بدن سالم‌تری داری و بدن سالم ایمنی بیشتری در مواجهه با بیماری‌ها دارد. در فعالیت بدنی، فرد می‌تواند کنترل بیشتری روی هیجانات خود داشته باشد.

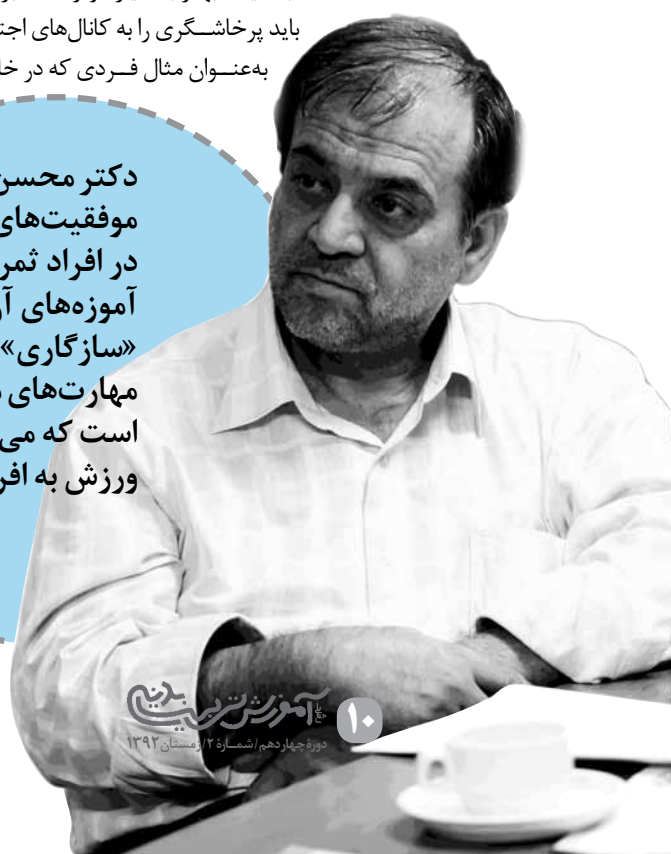
با فعالیت‌های ورزشی دوپامین بیشتر ترشح می‌شود و افسردگی و اضطراب را پایین می‌آورد. افلاطون می‌گوید وقتی فردی اضطراب دارد باید فعالیت درونی و بیرونی زیادی داشته باشد تا بر فعالیت‌های قلبی خود که بر اثر اضطراب بالا رفته است غلبه پیدا کند. افراد با ورزش می‌توانند اضطرابشان را کاهش دهند. مادو سیستم عصبی سمپاتیک و پاراسمپاتیک داریم. سیستم سمپاتیک در ما هیجان ایجاد می‌کند و پاراسمپاتیک آن را به سمت آرامش می‌برد. این‌ها آموزه‌هایی است که معلم می‌تواند آموزش دهد تا در امور نیک بر دیگران پیشی بگیریم. خرد باید رشد کند. اگر فردی فقط بخواهد قوای جسمانی‌اش را رشد دهد و از خرد استفاده نکند نمی‌تواند

نسکات اخلاقی را در کنار ورزش آموخته می‌داند که گول زدن داور درست نیست. معلم ناظر صحنه‌هاست و بچه‌ها را برای فعالیت‌های بعدی در زندگی آماده می‌کند. بچه‌ها از طریق ورزش درس زندگی را می‌گیرند. بحث توافق نکته دیگری است. معلم باید درس توافق را بیاموزد. لازمه توافق، گذشتن از خواسته‌های خود برای رسیدن به یک نقطه مشترک در راستای اهداف تیم و اجتماع است. معلم در یک موضع ورزشی می‌تواند بحث توافق را آموزش دهد و به یک وجه اشتراک برساند. این نکات در فرهنگ ما بوده و در ادبیات کهن ما مهارت‌های زندگی بسیار آمده است. مثل هم‌دلی کردن. یعنی اینکه کسی بتواند احساس خود را به دیگری نشان دهد. اینکه در بازی فوتبال فردی زمین می‌خورد و پایش درد می‌گیرد و بچه‌ها دورش جمع می‌شوند آموختن درس همدلی است. بچه‌ها به داد هم می‌رسند و دلشان برای هم می‌تپد. در اشعار مولانا، سعدی و فردوسی می‌توان همه این آموزش‌ها را دید. در کنار همدلی می‌توان درس همدردی را یاد گرفت؛ همدردی در جایی که از لحاظ احساسی فرد نمی‌تواند هم‌دلی و احساس تأسف کند رخ می‌دهد. در ورزش «همدردی» و «هم‌دلی» می‌تواند مطرح شود.

■ آموزش کنترل خشم و مدیریت نفس

دکتر ایمانی افزود: مهارت کنترل خشم را هم می‌توان در ورزش آموخت. معلم، دانش آموزی را که از بازی طرف مقابل به خشم آمده به کنترل خشم تشویق می‌کند. بعد از فعالیت بدنی زیاد و خستگی جسمی سطح پرخاشگری بالا می‌رود و معلم می‌تواند آموزش کنترل خشم و تسلط بر اعصاب بدهد. مثلاً در ورزش کشتی، کنترل توسط مربی و توصیه‌های سازنده او برای کسب نتیجه بهتر بسیار مؤثر است. برای کنترل پرخاشگری باید پرخاشگری را به کانال‌های اجتماع‌پسند هدایت کرد. به‌عنوان مثال فردی که در خانه خوارش را کتک

دکتر محسن ایمانی:
موفقیت‌های اجتماعی
در افراد ثمره ورزش و
آموزه‌های آن است
«سازگاری» یکی از
مهارت‌های مهم زندگی
است که می‌توان از طریق
ورزش به افراد آموخت



آن گونه که باید از ورزش بهره ببرد و از پا می افتد. تختی فقط یک ورزشکار نیست. وقتی بوئین زهرا زلزله آمد تختی برای کمک به مردم پول جمع می کرد و در غم انسان های محروم شریک بود. معلم ورزش می تواند با معرفی قهرمانان و پهلوانان، زندگی و اخلاق آن ها، الگوهای مناسبی به دانش آموزان ارائه دهد.

آموزش ارزش ها با ورزش امکان پذیر است

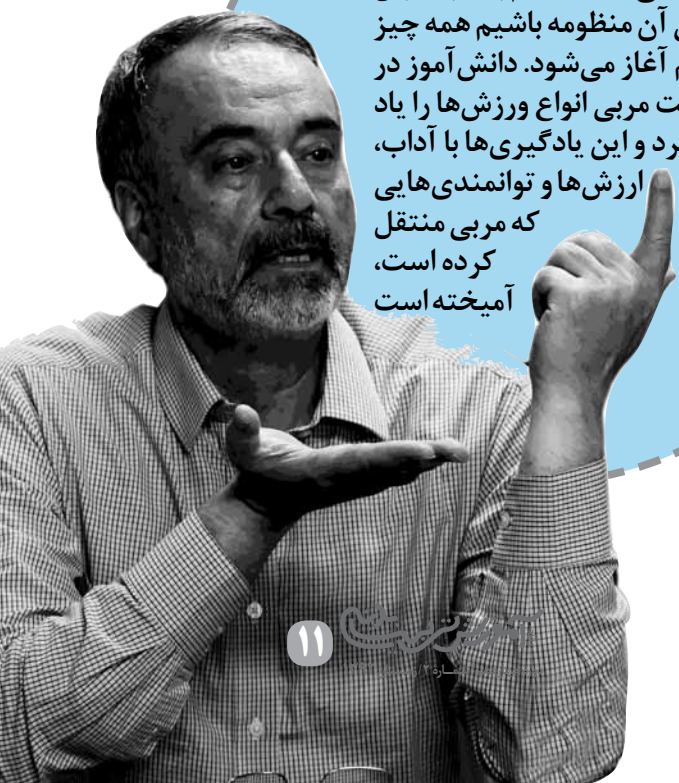
دکتر عباس علی گائینی هم معتقد است که ورزش یک ابزار است و به تنهایی نمی تواند ارزش آفرین باشد و ارزش آفرینی، زمانی در ورزش به وجود می آید که عوامل اجرایی آن خود واجد ارزش ها باشند. وی در ادامه این میزگرد گفت: معلمان باید بیش از گذشته، از نظر تعلیم و تربیتی، خود را مجهز کنند تا در ایجاد رفتارهای مطلوب در دانش آموزان مفید باشند. در جامعه ما با وجود مبانی ارزشی و اخلاقی جمهوری اسلامی، همچنان ضایعه «دروغ گویی» وجود دارد و در مجموع پیام های آموزشی راضی کننده نبوده است. سؤال این است که چگونه می توان بر این پیام ها به واسطهٔ معلمان ورزش بیشتر تأکید کرد؟ طوری که رسانه ای مثل صداوسیما را که به ورزش می پردازد تحت تأثیر قرار دهد. متأسفانه صداوسیما قهرمان را خیلی قهرمان معرفی می کند، در حالی که قهرمان را به عنوان الگوی انسانی و رفتاری مناسب در جامعه معرفی نمی کند.

از ورزش نباید توقع اعجاز داشت

دکتر سیداحمد زرهانی نیز در پاسخ به سؤال دکتر گائینی گفت: ورزش ظرفیت های خوبی برای آموزش مهارت های زندگی دارد، اما نباید انتظار اعجاز از آن داشت. صداوسیما و رسانه ها اهمیت شان در دو چیز است؛ یکی قدرت فنی و دیگری پشتوانه ای که دارند. اگر توقع ما این باشد که از ذات ورزش به جایی برسیم، مثل این است که ما بخواهیم از ذات هنر به جایی برسیم. در هنر و ورزش، بالذات زیبایی وجود دارد، اما این زیبایی ها را ما باید جهت بدهیم. در محیط های روشنفکری قبل از انقلاب محفل های هنر برای هنر، علم برای علم، ورزش برای ورزش برگزار می شد. خود ما در دههٔ اول انقلاب یک سبک و مکتب را پایه گذاری کردیم. اگر کسی تاریخ ورزش ایران را در دورهٔ انقلاب بنویسد، نمی تواند از آن برهه عبور کند. شما آمدید نشریه ای منتشر کردید به اسم ورزش و ارزش. ساعت ها برای این کار وقت می گذاشتید و تولید علم می کردید، اما این ها متوقف شد و به بیراهه کشیده شد. در ذات رزمی کاری نه کمال هست نه بی کمالی. یک مهارت است. مهارت قدرت بدنی برای دفاع شخصی. مثال ساده اش دختر رزمی کاری است که کیفش را به سرقت برده اند و با سارق گلاویز شده و پسر رزمی کاری که

از انسان های ضعیف دزدی کرده است. فرهنگ و معرفتی که پشت این است باید آموخته شود. قدرت در بدن هست اما یک نیروی بدنی است، مثل نیروی فکر، عقل، خرد، دین، ایمان و ارادهٔ انسان. در انقلاب فرانسه، از جمله منابع تفکر، کتاب های بوستان و گلستان سعدی بودند و مدت ها این کتاب ها در خانه ها تفتیش می شد. این کتاب ها بعد از رنسانس ترجمه شده بود، چرا که آداب و مهارت های زندگی را ترویج می کرد. بعدها یکی از رهبران انقلاب فرانسه نام سعدی را بر فرزندش گذاشت و نوۀ او هم نامش سعدی بود. در فرانسه یک خیابان را به نام سعدی نام گذاری کردند زیرا سعدی وارد فرهنگ آن ها شده بود. بیاییم در ورزش تفکر منظومه ای داشته باشیم. آیا می توان طوری سرمایه گذاری کرد که ورزش و آموزش مهارت ها با هم باشند یا خیر؟ بیاییم به تعدادی از ورزشکاران از طریق هیأت دولت نشان پهلوانی بدهیم و ده معیار را هم تعریف کنیم و با حمایت وزارت ورزش و جوانان، سازمان صداوسیما، ادارهٔ ارشاد و آموزش و پرورش فیلم هایی را تولید کنیم که آن آمیختگی ارزش و ورزش را در کنار هم نشان بدهیم که فرهنگ و ورزش می توانند با هم جمع شوند. بیاییم در کشور جشنواره هایی برگزار کنیم که در آن ها ورزشکارانی را که از مهارت های زندگی در حد اعلا برخوردارند، معرفی کنیم. بیاییم به معلمان ورزش بسته ای عرضه کنیم که خودشان انتخاب نمایند که چگونه در این راستا اقدام کنند و بر روی برخی هدف گذاری های ما مطابق با رشته شان کار کنند. اگر ما

دکتر سیداحمد زرهانی:
اگر به دنبال این هستیم که پیوندی بین ورزش و تربیت بدنی و مهارت های زندگی ایجاد کنیم باید به دنبال مهندسی آن منظومه باشیم همه چیز از معلم آغاز می شود. دانش آموز در معیت مربی انواع ورزش ها را یاد می گیرد و این یادگیری ها با آداب، ارزش ها و توانمندی هایی که مربی منتقل کرده است، آمیخته است



فضا را باز کنیم و تولید اندیشه امکان پذیر باشد می توانیم به این اهداف جامعه عمل بپوشانیم. اندیشه محوری ما باید این باشد که ورزش می تواند ظرفیت مناسبی برای آموزش مهارت های زندگی باشد و متناسب با این اندازه با یک نگاه راهبردی، برنامه ریزی بلندمدت بر آن داشته باشیم. بعد ببینیم در حوزه آموزش و پرورش با نگاه راهبردی به نقاط ضعف و قوت، فرصت ها و تهدیدها چه باید کرد. هدف گذاری و برنامه ریزی کنیم که چه باید کرد. می توان دید آیا همه بار بر دوش آموزش و پرورش است؟ تربیت بدنی است؟ یا حتی علما هم در آن نقش دارند؟ یا حتی کارتون ها با وجود فانتری بودنشان هم سهم دارند. هم هنر، هم ورزش ظرفیت های خوبی برای تزریق مهارت های زندگی اند. برنامه در قالب یک مدل مفهومی تنظیم و ارائه می شود و مورد استفاده قرار می گیرد.»

■ معلم ورزش باید به ارزش های اخلاقی آگاه باشد

فتح الله مسیبی در پایان این میزگرد گفت: یکی از مهارت های زندگی، کنترل هیجانات است. ما می توانیم با نصیحت و جملات و اسوه های مذهبی و ملی بچه ها را در این راستا آموزش دهیم. آقای عموزاده اشاره خوبی کردند که مهارت یعنی تمرین کردن و ملکه شدن خصایص، وقتی کسی در یک یا چند ویژگی مهارت دارد که در آن آموخته و خودساخته است. آیا فقط با گفتن تأثیرات مثبت مهارت کنترل خشم می توانیم مفید باشیم؟ اینکه به ما گفته شود در کجا این مهارت به کار می آید مهم است. ورزش این فرصت را به ما می دهد که هم خشمگین شویم، هم مضطرب شویم، هم بترسیم و مهارت های روانی کنترل هیجانات خودمان را بیاموزیم، تمرین کنیم و به سطح مهارت برسانیم. چگونه؟ آیا وقتی یک نفر در ورزش خشمگین می شود به خودی خود یاد می گیرد که کنترل خشم داشته باشد؟ ممکن است در اولین خشمش رفتار نامناسبی از خودش به نمایش بگذارد. اینجا بحث اینکه ما کجا، با چه شرایطی و تحت نظر چه مربی ورزش کنیم اهمیت پیدا می کند. معلم ما چقدر در زمینه کنترل خشم مهارت دارد؟ آیا معلمی که خودش تزکیه نشده است می تواند انتقال دهنده آموزه های این چنینی باشد و بچه را بسازد؟

معلم هم باید دانش ها و تکنیک های لازم را داشته باشد که بتواند بیاموزد، تمرین دهد و به مهارت برساند و هم ارزش هایش ارزش های مثبت و متناسب با اخلاق اجتماع باشد. مثلاً یکی از عوامل ایجاد خشم به خصوص در مدارس، ارزش گذاری بیش از حد به برد و باخت در ورزش است. این خود به فلسفه معلم برمی گردد که برد و باخت برایش در ورزش چه تعریفی داشته باشد. تکنیک های کنترل خشم را بلد باشد که بتواند آموزش دهد. آیا در تربیت معلمان ورزش، تکنیک های روانی آموخته می شود؟ آیا معلمان ورزش خودشان تمرین می کنند که بتوانند روحیه خودکنترلی داشته باشند تا قادر باشند این خودکنترلی

را آموزش دهند؟ در گذشته آموزش تکنیک های روانی در رده های بالای ورزشی ارائه می شد، ولی امروز با سرعت زیاد پیشرفت کرده و اکنون در مهدکودک به آن پرداخته می شود. انسیتوهای روان شناسی ورزش برای کودکان و نوجوانان دایر شده است. آموزش تکنیک ها و ارزش گرایی ها اهمیت بسیاری دارد. ما توقع بسیاری هم از معلم ورزش داریم. معلمان ورزش مورد ظلم قرار گرفته اند. در جامعه ای که سوداگری غلبه کرده است و معلم ورزش بعد از مدرسه باید مسافر کشی کند، چگونه می تواند ارزش های ضارزش سوداگری را آموزش دهد که با دنیای بیرون کلاس تناقض دارد؟

تأمین مالی در هدایت و انتقال آموزه ها و ارزش های مثبت بسیار مهم است. ورزش فرصت خوبی را برای کنترل هیجانات و به مهارت رسیدن ایجاد می کند مشروط بر اینکه معلم ورزش خودکنترلی در حد مهارت بلد باشد. به دوره آموزش معلمان ورزش باید توجه کرد. روی ارزش گذاری ها باید کار شود. بردگرایی در جامعه باید محو شود. زندگی و نیازهای معلم ورزش فرسوده از فشار زندگی، باید تأمین شود.

■ جمع بندی و نتیجه گیری

در این میزگرد که با حضور شش تن از متخصصان، کارشناسان و صاحب نظران علوم تربیتی و تربیت بدنی با هدف «بررسی نقش درس تربیت بدنی در آموزش و ارتقای سطح مهارت های زندگی دانش آموزان» برگزار شد، متخصصان و کارشناسان دیدگاه های گوناگون و متفاوت خود را پیرامون تربیت بدنی، مهارت های زندگی، ورزش تربیتی، ورزش و ارزش ارائه کردند. برخی از متخصصان معتقد بودند ورزش و تربیت بدنی به صورت ذاتی موجب رشد اخلاقی و مهارت های زندگی دانش آموزان می شود؛ اما عده ای دیگر معتقد بودند ورزش ذاتاً اخلاقی نیست و اگر بخواهیم از آن در جهت رشد اخلاقی بچه ها و آموزش مهارت های زندگی استفاده کنیم، باید معلم ورزش توانا، محیط مناسب و امکانات لازم را برای این کار فراهم کنیم.

اگرچه کارشناسان و متخصصان در این میزگرد دیدگاه های متفاوتی درباره «نقش درس تربیت بدنی در ارتقای مهارت های زندگی دانش آموزان» ارائه کردند، اما همگی هم عقیده بودند که درس تربیت بدنی بالقوه می تواند بستر مناسبی برای آموزش و ارتقای سطح مهارت های زندگی دانش آموزان فراهم سازد. آن ها اتفاقاً به آموزش مهارت هایی مانند قدرت تعامل و سازگاری، تصمیم گیری، تفکر خلاق، اعتماد به نفس، خودباوری، خودکنترلی، توان «نه» گفتن به دیگران، توانایی برخورد با مشکلات و توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی از طریق درس تربیت بدنی بسیار تأکید داشتند که این خود نیازمند برنامه ریزی اساسی و همه جانبه و مدیریت دقیق علمی در راستای اجرایی کردن آن است.